



چرا حقوق زن و مرد در اسلام متفاوت است/تشابه حقوقی لازمه برابری نیست

لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، تشابه صددرصد آن‌ها در حقوق و تکالیف نیست. تساوی، غیر از تشابه است. تساوی، برابری است و تشابه، یکنواختی!

لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، تشابه صددرصد آن‌ها در حقوق و تکالیف نیست. تساوی، غیر از تشابه است. تساوی، برابری است و تشابه، یکنواختی!

به گزارش خبرنگار مهر، مقاله پیش روی مقاله ای است به قلم احمد اولیایی که توسط گروه شبهه شناسی مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات حوزه در اختیار خیرگزاری مهر قرار گرفته است:

از آغازین روزهای طلوع خورشید اسلام در سرزمین جزیره‌العرب تاکنون، که آفتاب گرمابخش آن همه کره خاکی را درنور دیده و در حال غلبه بر همه مکتب‌های باطل و غیرالاهی است، این دین بزرگ همواره با مخالفت‌ها و دشمنی‌های گوناگون روبه رو بوده است؛ از جنگ‌ها و هجمه‌های نظام و سیاسی گرفته تا نبردهای تئوریک و به ظاهر علمی، همه خواسته یا ناخواسته به دنبال بازداشتن نیروی شگرف اسلام در بسط و تعمیق فرهنگ والای توحیدی و مانع‌تراشی بر سر راه تحقق مدینه فاضله اسلام بر محوریت قرآن و اهل‌بیت علیهم السلام بوده است؛ یکی از بخش‌هایی که به صورت‌ها و از خاستگاه‌های گوناگون مورد نقد و ایراد مخالفان قرار گرفته، بخش فقه و به خصوص مباحثی است که تحت عنوان احکام زنان یا تفاوت‌های فقهی زنان و مردان، مطرح می‌شود؛ شبهات مختلفی با صورت‌بندی‌های مختلف مطرح می‌شود که هدف همه آن‌ها بی‌اعتبار نشان دادن احکام فقهی، به‌ویژه در حوزه روابط اجتماعی، و در نتیجه تقلیل التزام مردم مسلمان به احکام دینی و ایجاد احساس بدبینی نسبت به آن، خصوصاً در میان بانوان، است؛ در این نوشتار به یکی از شبهات مطرح شده در فضای مجازی اشاره کرده و به اندازه فرصت موجود به نقد آن خواهیم پرداخت.

چکیده شبهه

در دنیای کنونی ملاک کرامت و شرافت افراد، انسانیت است نه جنسیت. زن و مرد در همه کشورها و ادیان برابر شمرده شده و از حقوق مشابه و مساوی بهره‌مند می‌شوند؛ اما در دین اسلام چنین نیست. زنان هیچ جایگاهی ندارند، زنان نصف مردان ارث می‌برند و دیه آن‌ها نیمی از دیه مردان است. مردان حق دارند چهار زن به طور همزمان داشته باشند؛ اما زنان چنین حقی ندارند! قوانین مدنی و جزایی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس فقه اسلامی است و از این رو زنان هیچ احترامی ندارد. زنان بیش‌تر به خانه‌داری و فرزندآوری مجبور می‌شوند و حق حضور فعال در اجتماع را ندارند. این روند سبب شده است که ایران حتی حاضر به پذیرش کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نشود؛ کنوانسیونی که همه کشورهای دنیا آن را پذیرفته اند!

چکیده نقد

از منظر انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی اسلامی زن و مرد هر دو انسان و آفریده خداوند متعال‌اند. تنها ملاک برتری یکی بر دیگری تقوا و پرهیزگاری است. اسلام دینی جامع و کامل است که به تمام ابعاد انسان توجه دارد و قوانین و احکام آن که مبتنی بر وحی و مطابق با فطرت است، با عنایت به شخصیت، ظرفیت، استعداد بشر و با دقت در تفاوت‌های میان زن و مرد وضع شده است. در زمانه‌ای که اسلام متولد شد، زن در همه جوامع از وضعیت اسف‌برانگیز رنج می‌برد. اسلام به زن شخصیت داد و برای او حقوق برابر با مرد قائل شد. در جمهوری اسلامی که با مدل حکومت دینی اداره می‌شود، زنان مانند مردان از حقوق و امکانات برابر در کشور برخوردارند. علت اصلی عدم پذیرش کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مغایرت آن با دین اسلام، قانون اساسی کشور و منافع زنان است.

مقدمه

هرچند نمی‌توان انکار کرد که زنان همواره به علل گوناگون در جوامع مختلف مورد ستم واقع شده‌اند اما ادعای برتری مرد نسبت به زن و عدم رعایت حقوق او در دین اسلام ادعای بی‌پایه و سست می‌نماید. این بحث‌ها غالباً یا حاصل نگاه‌های فمینیستی است یا رد پای نگرش‌های ضد زنانه در آن دیده می‌شود. کسانی که زن و مرد را بشناسند و تفاوت‌های موجود در استعداد، شخصیت و خلقت آن‌ها را دریابند به خوبی می‌دانند که این اختلاف‌ها به معنای نابرابری نیست و هرکدام آیه‌ای از آیات قدرت الهی است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با تکیه بر وحی، دینی را برای بشر به ارمغان آورد که زن در آن به اندازه

مرد، دارای احترام و منزلت است. حقوق و تکالیف زن و مرد در دین اسلام بر پایه اشتراکات و تفاوت‌های فطری و تکوینی و با هدف تنظیم حکیمانه روابط اجتماعی صورت‌بندی شده است.

زن، پیش و پس از اسلام

مقارن طلوع خورشید اسلام در جزیره‌العرب زنان در همه جوامع و از جمله میان عرب‌های جاهلی وضعیت نامناسبی داشت. زن با فجیع‌ترین وضع زندگی می‌کرد و مانند کالایی خرید و فروش می‌شد. از هرگونه حقوق اجتماعی و فردی حتی حق ارث محروم بود. مردان زن را در شمار حیوانات قرار داده و او را جزء لوازم و اثاث زندگی می‌شمردند. غالباً از بیم قحطی و یا از ترس آلودگی، دختران خود را در روز اول تولد سر می‌بریدند و یا از بالای کوه بلند به دره عمیقی پرتاب می‌کردند و گاهی در میان آب غرق می‌کردند. [۱]

زنده به گور کردن دختران رفتاری مرسوم بود. به عنوان نمونه وقتی از قیس بن عاصم سؤال شد که تاکنون چند نفر از دختران را زنده به گور کرده‌ای، پاسخ داد: دوازده یا سیزده دختر! [۲] به همین منظور آیاتی چند از قرآن کریم در نکوهش رفتاری غیرانسانی آنان نازل شده است: «البته آنان که فرزندان خود را به سفاکت و نادانی کشتند زیانکارند.» [۳] «و این گونه در نظر بسیاری از مشرکان، [عمل ظالمانه] بت‌هاشان کشتن فرزندان‌شان را برای آن‌ها نیکو جلوه داد.» [۴]

با ظهور دین مبین اسلام و با تعالیم بلند وحیانی و تلاش‌های طاقت‌فرسای پیامبر و امامان علیهم السلام آرام آرام تمام ضدیت‌ها، نگرش‌های منفی و تحقیرهایی که نسبت به شخصیت زن روا داشته می‌شد، به پایان رسید و احترام و حقوق کامل به زنان و شخصیت آن‌ها بازگشت. اسلام شخصیت زن را محترم شمرد و او را مظهر جمال خداوند معرفی کرد. زن در ذهن، زبان و رفتار پیشوایان دینی جایگاهی ارجمند یافت. اسلام حقوق انسانی زن را به رسمیت شناخت و بر آن پای فشرد. در نظام انسان‌شناسی اسلام زن و مرد شخصیتی یکسان دارند و هیچ تفاوت ارزشی میان آن‌ها وجود ندارد. [۵] آری! از آنجا که زن و مرد با وجود اشتراکات فراوان در ابعاد مختلف، تفاوت‌های غیرقابل‌انکاری هم دارند، نظام حقوقی اسلام با در نظر گرفتن اشتراکات و تفاوت‌ها، حقوقی مساوی اما غیرمشابه برای آنان در نظر گرفته است. در ادامه نوشتار به برخی از حقوق عمومی زنان که در آن با مردان یکسان هستند، اشاره می‌کنیم:

حق تحصیل کمال انسانی

در نگاه اسلام ملاک برتری انسان‌ها نه جنسیت، نه ثروت و نه مقام آن‌ها، بلکه تقوا و ارزش‌های اخلاقی است. قرآن کریم می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست!» [۶]

حق رسیدن به کمال انسانی و تحصیل فضیلت‌های الهی برای زن به مانند مرد در دین اسلام ثابت شده است. در زمینه هدایت تشریحی خداوند، هرکس چه زن و چه مرد، می‌تواند به هراندازه که می‌خواهد از بهره برده و راه سعادت و کمال را بییماید: «ما راه را به او (انسان) نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس!» [۷] پس اختلاف در جنسیت نمی‌تواند مانعی برای تکامل باشد. شهید مطهری می‌نویسد: «اسلام در سیر من الخلق الی الحق، یعنی در حرکت و مسافرت به سوی خدای هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست.» [۸] این حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیهاست که به عنوان یک زن، می‌تواند به مقامی برسد که رضایت او رضایت خدا و ناراحتی‌اش غضب الهی را به همراه داشته باشد: همانا خداوند از غضب فاطمه غضبناک و از خشنودی او خشنود می‌شود. [۹]

توجه به استعداد و شخصیت زن

کسی نمی‌تواند تفاوت‌های طبیعی زن و مرد را منکر شود و اختلاف‌گرایی و نمایلات و استعدادهای آن‌ها را انکار کند. الکسیس کارل فیزیولوژیست و زیست‌شناس معروف فرانسوی در این باره می‌نویسد: «اختلافی که بین زن و مرد موجود است تنها مربوط به شکل اندام‌های جنسی آن‌ها نیست؛ بلکه نتیجه علتی عمیق‌تر است. به علت عدم توجه به این نکته اصلی و مهم است که طرفداران نهضت زن فکر می‌کنند که هر دو جنس می‌توانند یک قسم تعلیم و تربیت یابند و مشاغل و اختیارات و مسؤولیت‌های یکسانی را به عهده گیرند. زن در حقیقت در جهات زیادی با مرد متفاوت است. زنان باید به بسط مواهب طبیعی خود در جهت و مسیر سرشت خاص خویش بدون تقلید کورکورانه از مردان بکوشند. وظیفه ایشان در راه تکامل بشریت خیلی بزرگ‌تر از مردهاست و نایبستی آن را سرسری گیرند و رها کنند.» [۱۰]

اسلام به این تفاوت‌ها با دقت توجه کرده و قوانین و احکام خود را برای زن و مرد با عنایت به استعدادهایشان وضع نموده

است. هماهنگی بین قوانین و حقوق از یک سو، و ظرفیت و استعداد بشر چه مرد و چه زن، از دیگر سو از ظرافت‌هایی است که دین اسلام بکار برده است. از این رو در مواجهه با قوانین اسلام باید از جزءبینی و یک‌سونگری پرهیز کنیم و به آن‌ها به صورت مجموعی و کلی نگریسته شود تا جایگاه واقعی هر یک از زن و مرد شناخته شود. [۱۱] به عنوان مثال در قانون ارث اگرچه در ظاهر، یک نوع نابرابری دیده می‌شود اما وجوب نفقه بر عهده مردان گذاشته شده است. در یک نگاه مجموعی به این دو حکم متوجه می‌شویم که زن‌ها می‌توانند آن چه به ارث می‌برند را در ملک شخصی خود نگه دارند؛ ولی مردها موظفند از تمام مایملک خود در راه معاش زندگی زن و فرزند خود استفاده کنند. در این صورت به نظر می‌رسد در نهایت زنان بهره‌بیش‌تری از مردان ببرند. [۱۲]

حق حضور در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی

اسلام حضور زن در جامعه و پرداختن به امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را جایز می‌داند؛ هرچند این امر را مشروط به حفظ عفت می‌کند. البته این شرط نیز احترام به شخصیت زن است و هیچ محدودیتی به همراه نمی‌آورد. ذکر چند نمونه تاریخی از صدر اسلام می‌تواند این ادعا را اثبات کند:

۱- رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مواجهه با رفتار برخی از مسلمانان که مانع خروج زنان از منزل می‌شدند فرمود: همانا خداوند به شما زنان اجازه داده است که برای برطرف کردن حوائج خود از خانه خارج شوید. [۱۳]

۲- بیعت زنان با پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از فتح مکه. [۱۴]

۳- شرکت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در تشییع جنازه بعضی مسلمانان و عدم مخالفت رسول اکرم صلی الله علیه و آله. [۱۵]

۴- حضور پرننگ حضرت زینب سلام الله علیها در دفاع از حریم ولایت و روشننگری‌های تاریخی آن بانو... [۱۶]

حق علم‌آموزی زنان

دین اسلام علم‌آموزی را نه فقط حقف بلکه تکلیفی برای زن و مرد می‌داند و آن را به شکل‌های گوناگون سفارش کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: فراگیری علم بر هر مسلمانی (مرد و زن) واجب است. [۱۷]

حقوق اقتصادی زنان

در زمانه‌ای که زن از همه حقوق انسانی خویش، از جمله حقوق اقتصادی، محروم بود و حق هیچگونه تصرف در آنچه به دست می‌آورد، نداشت، اسلام حقوق اقتصادی و مالی او را به رسمیت شناخت و مالک اموال خود معرفی کرد. محرومیت زنان از حقوق اقتصادی در همه‌جای جهان رایج بود. سخن ویل دورانت، مورخ بزرگ، برای توصیف وضع زنان در غرب کافی است. او می‌نویسد: «نخستین قدم برای آزادی مادران بزرگ ما قانون ۱۸۸۲ م بود. به موجب این قانون زنان بریتانیای کبیر از آن پس از امتیاز بی‌سابقه‌ای برخوردار می‌شدند و آن این که حق داشتند پولی را که به دست می‌آوردند برای خود نگه دارند. این قانون عالی اخلاقی را کارخانه‌داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند. از آن سال تا به امسال سودجویی مقاومت‌ناپذیری آنان را از بندگی و جان‌کندن در خانه رها نیده، گرفتار بندگی و جان‌کندن در مغازه و کارخانه کرده است.» [۱۸]

البته سخن ویل دورانت در نقد نظام منحصراً سرمایه‌داری است؛ اما تلویحاً به این واقعیت اشاره دارد که زنان در مهم‌ترین کشور غربی تا سال ۱۸۸۲ از حقوق اقتصادی خود محروم بودند. تازه انگیزه دادن چنین حقی به آنان نه پاسداری کرامت انسانی آن‌ها، بلکه با هدف سودجویی بیش‌تر بود. اما اسلام، دینی که معاندان و جاهلان آن را متهم به از بین بردن حقوق زنان می‌کنند، هزار سال پیش، حق مالکیت را برای زنان به رسمیت شناخته است؛ و انگیزه چنین امری تأمین کرامت انسانی و احترام به زن بود. خداوند متعال با صراحت می‌فرماید: «برای مردان بهره‌ای است از آنچه به دست می‌آورند و برای زنان بهره‌ای است از آنچه به دست می‌آورند.» [۱۹] همچنین برای آنان با توجه به حکمت‌ها و مصلحت‌ها در چهار چوب شریعت، حق ارث معین شده است: «و برای زنان نیز از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان [به ارث] می‌گذارند، سهمی است.» [۲۰]

نکته اصلی در وضع قوانین شرعی این است که خلقت، ظرفیت و استعداد افراد مورد توجه قرار می‌گیرد و حقوق و تکالیف آن‌ها بنابر استعدادشان وضع می‌شود. پروفیسور «ریک»، روان‌شناس مشهور آمریکایی به تفاوت زن و مرد اذعان کرده و می‌گوید این

دو می‌توانند یکدیگر را تکمیل کنند. [۲۱] خانم «کلیودالسون» به برتری زنان در احساسات اشاره می‌کند و تبعیض بیشتر مردان از تعقل [۲۲] را بیان می‌دارد. دانشمند بزرگ، محمد قطب می‌نویسد: اگر زنان بخواهند مادر باشند، باید احساساتی و عاطفی باشند و لازمه بقای نسل آدمی وجود مادر و روابط جنسی زن و مرد و کارکردهای اختصاصی آنان است. [۲۳] پس برتری روحی مردان بر زنان به عنوان یک امتیاز ارزشی، به تفاوت‌های جسمی و روحی و کارکردهای اختصاصی زن و مرد بستگی ندارد؛ بلکه براساس ایمان و عمل که جامع آن‌ها تقوی است، مشخص می‌شود [و این] چیزی است که طراح آن طبیعت است. هر قدر هم خانم‌ها بخواهند با این واقعیت مبارزه کنند، بی‌فایده خواهد بود. خانم‌ها به علت این که حساس‌تر از آقایان هستند، باید این حقیقت را قبول کنند که به نظارت آقایان در زندگی شان احتیاج دارند ... کارهایی که به تفکر مداوم احتیاج دارد، زن را کسل و خسته می‌کند. [۲۴]

«اتوکلاين برگ» نیز با صحنه گذاشتن بر تفاوت‌های جسمی و روحی و علایق زن و مرد براساس داده‌های روان‌شناسی می‌نویسد: «زنان بیشتر به کارهای خانه، اشیاء و اعمال ذوقی علاقه نشان می‌دهند و بیشتر مشاغل را می‌پسندند که نیازی به جابه‌جا شدن در آن‌ها نباشد و یا کارهایی را دوست دارند که در آن‌ها باید مواظبت و دلسوزی بسیاری [به] خرج داد؛ مانند مواظبت از کودکان و اشخاص عاجز و بی‌نوا ... زن‌ها عموماً احساساتی‌تر از مردان هستند.» [۲۵]

نکته مهم‌تر این است که تساوی، همیشه به معنای تشابه نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «شما را از نفس واحد آفریدیم.» [۲۶] رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «مردم - اعم از زن و مرد - مانند دندان‌های شانه با هم برابرند؛ اما لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، تشابه صددرصد آن‌ها در حقوق و تکالیف نیست. زن و مرد در حقوق عمومی و حقوق انسانی، برابرند؛ اما آیا با توجه به تفاوت‌های موجود و غیرقابل‌انکار و غیرقابل‌زوال، نباید هیچگونه تقسیم کار و وظیفه و اختصاص کارکردی در میان باشد؟! تساوی، غیر از تشابه است. تساوی، برابری است و تشابه، یکنواختی! اسلام هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی و ارزشی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست؛ اما با توجه به تلازم حق و تکلیف، ممکن است به دلیل تکالیف بیش‌تری که بر عهده مردان گذاشته است، اختیارات بیش‌تری نیز برای آنان قائل شده باشد. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست؛ اما با تشابه و یکنواختی حقوق آن‌ها مخالف است. [۲۷]

جایگاه زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران

زن در ایران و قانون جمهوری اسلامی نیز از جایگاه مطلوبی برخوردار است. در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است همه امکانات خود را در امور مختلف به طور مساوی هم برای زنان و هم برای مردان بکار گیرد. در اصل دهم زن از حالت ابزاری خارج شده و به نقش مهم وی در امر خانواده و جایگاه شریف مادری اشاره شده است. اصل بیستم صریحاً اشاره می‌کند که همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلام، برخوردارند. اصل بیست و یکم که کاملاً اختصاص به زنان داشته و حقوق زن را در تمام جهات تضمین می‌کند.

در ضمن با توجه به جایگاه زن در قانون اساسی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، به پیشنهاد شورای فرهنگی اجتماعی زنان در سال ۱۳۸۳، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد. این منشور با الهام از شریعت معتدل و جامع اسلام و مبتنی بر قانون اساسی و اندیشه‌های والای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی تدوین گردید و در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی در مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید. این منشور می‌تواند مبنای معرفی و تبیین جایگاه زن در نظام جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی نیز قرار گیرد.

حقوق فردی زنان، حقوق زنان پیرو مذاهب دیگر، حق دختران در داشتن والدین شایسته، حق مسکن، پوشاک، اشتغال، حقوق مربوط به ازدواج، هزینه‌های بارداری، حقوق مادی زنان در طلاق، مهریه و نفقه، حقوق اجتماعی زنان مانند حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در امور فرهنگی به ویژه در خصوص مسائل زنان، همچنین حق تبادل اطلاعات و ارتباطات فرهنگی سازنده در ابعاد ملی و بین‌المللی، حق تحصیل و استفاده از امکانات آموزشی، حق کامل مالکیت، حق تعیین مهریه، حق شکایت در دادگاه و به طور کل تمام حقوق متصور برای یک انسان که باید در جامعه دارا باشد، در این منشور ذکر شده است.

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

تلاش‌هایی که به ظاهر برای دفاع از حقوق زنان شکل گرفت، با تمام اتفاقات تاریخی، در نهایت در ۷ نوامبر ۱۹۶۷ به تهیه‌ی پیش‌نویسی درباره‌ی مسائل زنان با عنوان «اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان» منتهی شد. پیش‌نویس مزبور پس از تصویب‌نهایی

به صورت «کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» در آمد و در ردیف معاهدات حقوقی بین المللی با تضمینات لازم قرار گرفت. زمان تصویب معاهده فوق، ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ / آذر ماه ۱۳۵۸ و زمان لازم الاجرا شدن آن (به دلیل الحاق حد نصاب لازم از کشورها به آن) ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ / ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ بود. در حال حاضر بیش از ۱۶۸ کشور به کنوانسیون پیوسته‌اند. در این میان بالغ بر ۴۰ کشور، از کشورهای اسلامی هستند. کشور ایران نیز جزو کشورهایی است که کنوانسیون را رسماً نپذیرفته و به جامعه جهانی اعلام نموده است که معاهده مزبور در دست مطالعه و اقدام است.

علت مخالفت فعلی جمهوری اسلامی ایران با کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، مغایرت‌های این کنوانسیون با فقه اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. تشابه کامل زنان و مردان با بعضی احکام اسلامی مغایرت دارد؛ حق طلاق، مقدار ارث و دیه، شرایط اشتغال زنان و اذن شوهر، حجاب و پوشش از جمله مسائل فقهی است که تساوی زن و مرد در آن‌ها به منزله مشابَهت و عینیت نیست. بلکه شخصیت و شاکله زن و مرد و تفاوت‌های حقیقی آن‌ها ملاک قرار گرفته است. تعارض کلی و اصلی این کنوانسیون با قانون اساسی نیز، گنجاندن اصل مساوات (به معنای تشابه) میان زنان و مردان در قانون اساسی و سایر قوانین مربوطه در کشور است و طبعاً با تمام مواردی که حقوق متفاوت برای زن و مرد در قوانین ما منظور شده مخالف است. [۲۸]

[۱] - فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ج ۱، ص ۴۸.

[۲] - اسد الغابة، ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۲۰.

[۳] - «قد خسر الذین قتلوا اولادهم سفها بغير علم» انعام/۱۴۰.

[۴] - «وكدلك زين لكثير من المشركين قتل اولادهم شركاؤهم انعام/۱۳۷.

[۵] - احزاب/۳۵

[۶] - «يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر وانثى وجعلناكم شعوبا وقبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقاكم» حجرات/۱۳.

[۷] - «انا هديناه السبيل اما شاكرا واما كفورا انسان/۳.

[۸] - مجموعه آثار، شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۱۳۳، نظام حقوق زن در اسلام.

[۹] - «ان الله ليغضب لغضب فاطمة ويرضى لرضاها؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۹؛ میزان الاعتدال، ذهبی، ج ۱، ص ۵۳۵.

[۱۰] - انسان موجودی ناشناخته، الکسیس کارل، ترجمه دکتر پرویز دبیری، ص ۱۰۰.

[۱۱] - در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، زیبایی نژاد و سبحانی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ص ۵۰.

[۱۲] - المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۳۴ سوره نساء.

[۱۳] - «انه لقد اذن لکن ان تخرجن لحوائجک صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴۹.

[۱۴] - الکامل فی التاريخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۵۲، حوادث سال ششم هجری، فتح مکه.

[۱۵] - وسایل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۲، ص ۵۱.

[۱۶] - اللهوف، سید بن طاووس، حوادث بعد از عاشورا.

[۱۷] - «طلب العلم فريضة على كل مسلم ومسلمة» امالی شیخ طوسی، مجلس ۱۷، ج ۴۰، ص ۴۸۶.

[۱۸] - لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، ص ۱۵۸.

[۱۹] - «للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن»؛ نساء/۳۲.

[۲۰] - «وللنساء نصيب مما ترك الوالدان والأقربون؛ نساء/۷».

[۲۱] - مجله زن روز، شماره ۹۰ .

[۲۲] - منظور از تعقل در این گونه مباحث، محاسبه سود و زیان و عاقبت‌اندیشی و پرهیز از تصمیم‌های احساسی است. نه عقل نظری یا عقل عملی که در فلسفه و اخلاق بحث می‌شود.

[۲۳] - قطب، محمد، شبهات حول الاسلام، ص ۱۱۲ - ۱۱۵ .

[۲۴] - نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۱۵ - ۲۱۶.

[۲۵] برگ اتوکلاين، روان شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، ج ۱، ص ۳۱۳ .

[۲۶] نساء (۴) : ۱۲۴ .

[۲۷] نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۴۳ - ۱۴۴ .

[۲۸] برای مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب نقد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، نوشته فریبا علاسوند، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران.